

نشریه کتاب و سنت

دانشگاه قرآن و حدیث

مرکز آموزش الکترونیکی

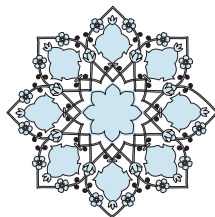
شماره ۱، زمستان ۹۲

Ketab & Sonnat magazine

Quran & Hadith university

E-laarning center

No1, winter92



بازشناسی مفهوم «فلاح» در قرآن و حدیث

علی ملکوتی نیا^۱

عباس پسندیده^۲

چکیده

این نوشتار، در پی بازشناسی معنا و مفهوم «فلاح» در نگاه قرآن و حدیث است. و با روش توصیفی و تحلیل محتوایی متن، کوشیده است تا تعریف جامعی از «فلاح» در نظام اخلاقی اسلام به دست دهد. با وجود اینکه در فرهنگ قرآن و اهل بیت علیهم السلام از فلاح به عنوان «هدف و مطلوب نهایی انسان» از انجام کارهای عبادی یاد شده و دعوت به «فلاح»، پیام اصلی و روح محوری اوامر و نواهی الهی، به شمار آمده است، به نظر می‌رسد؛ ترجمه فلاح به «رستگاری»، ترجمه کاملی نیست. و آنچه برخی مترجمان در معنای «فلاح» نوشته‌اند، نارسا و ناقص است. و چه بسا از این رهگذر، محتوای آیات قرآن به درستی و به طور کامل منعکس نشده باشند.

نویسنده در این مقاله ضمن آموزش فرایند مفهوم‌شناسی به این نتیجه می‌رسد که؛ مفهوم «فلاح» در قرآن و حدیث، ساختار چند قسمتی دارد و به معنای «رهیدن از شرور و رسیدن به خیر پایدار دنیا و آخرت و بقای در آن» است، که لازمه آن ایمان، عمل صالح، رحمت الهی و استقامت در مشکلات و عبور از موانع پیش رو است.

کلیدواژه‌ها: مفهوم‌شناسی فلاح، رستگاری، فوز، نجات، خیر پایدار، قرآن و حدیث

* تاریخ دریافت: ۹۲/۱۲/۶ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۲۷

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم، کارشناسی ارشد رشته علوم حدیث گرایش اخلاق دانشگاه قرآن و حدیث، عضو گروه اخلاق عملی و کاربردی پژوهشگاه قرآن و حدیث. (نویسنده مسئول)

Email: alim2200@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه قرآن و حدیث.

Email: pasandide@hadith.net

مقدمه

مفاهیم اخلاقی در ساختار و نظام اخلاقی اسلام، جایگاه ارجمندی به خود گرفته‌اند که فهم و تبیین درست آنها ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. چون با شناخت یک مفهوم، از یک سو فصلی از روایات معنا شده و جهت‌گیری آنها مشخص می‌گردد. و از سوی دیگر؛ جایگاه هر موضوع اخلاقی و چگونگی ارتباط آن با دیگر مفاهیم به دست می‌آید.^۱ بر این اساس، در نوشتار حاضر، مفهوم اخلاقی «فلاح»، مورد تحقیق و بازشناسی قرار می‌گیرد. «فلاح»، یکی از مفاهیم بنیادین، مهم و پُرسامد در اخلاق اسلامی است، که جایگاهی ویژه در متون دینی دارد به گونه‌ای که ۴۰ بار در ۲۴ سوره از قرآن کریم آمده است.

در فرهنگ قرآن کریم، از فلاح به عنوان «هدف نهایی انسان» از انجام کارهای عبادی و افعال شایسته یاد می‌شود.^۲ برای نمونه در آیه‌ای می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۳ و یا در آیه‌ای دیگر دستور می‌دهد: ﴿وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۴ قرآن کریم در این موارد، نتیجه عبادت‌ها، و غایت کارهای خیر و خویش‌داری را رسیدن به «فلاح» می‌داند. و در آیاتی نیز «فلاح» را نتیجه تزکیه نفس، معرفی می‌نماید؛ همچون: ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى﴾^۵ و آیه ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾^۶ و ...

بنابراین «فلاح»، نتیجه و ثمره تقوا و ابتغای وسیله و جهاد است.^۷ و پیام اصلی و روح محوری اوامر و نواهی الهی، دعوت به فلاح، نجات و صلاح است.^۸

بخشی از روایات پیشوایان دینی هم، به بیان اهمیت، عوامل و موانع رسیدن به «فلاح»، اختصاص یافته است. که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

امام صادق (علیه السلام) در توصیف مؤمنان کامل می‌فرماید:

۱. پسندیده، عباس؛ /اخلاق پژوهی حدیثی، ص ۳۷ و ۳۸.

۲. جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر ترتیبی تسنیم، قم: نشر اسراء، چاپ نهم، ۱۳۸۹ش؛ ج ۲، ص ۲۱۰ و مصباح یزدی، محمد تقی؛ اخلاق در قرآن، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ سوم، ۱۳۸۹ش؛ ج ۱، ص ۳۵.

۳. حج / ۷۷.

۴. بقره / ۱۸۹.

۵. اعلی / ۱۴.

۶. شمس / ۹.

۷. جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر ترتیبی تسنیم، قم: نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۹ش؛ ج ۲، ص ۴۰۹.

۸. جوادی آملی، عبدالله؛ ادب فنای مهربان، قم: نشر اسراء، چاپ پنجم، ۱۳۸۸ش؛ ج ۲، ص ۳۰۱.



هُمُ الْبَرَّةُ بِالْإِخْوَانِ فِي حَالِ الْيُسْرِ وَالْعُسْرِ، الْمُؤَثِّرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ فِي حَالِ الْعُسْرِ، كَذَلِكَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فَقَالَ: ﴿وَيُؤَثِّرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يوقْ شَحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾، فازوا والله وأفلحوا! آنان، کسانی اند که در آسایش و سختی به برادران نیکی می‌کنند، و در هنگام تنگ‌دستی، ایثار می‌کنند. این گونه، خداوند، ایشان را توصیف کرده و فرموده است: «و [دیگران را] بر خویشتن، مقدم می‌دارند، هر چند خودشان نیازمند باشند. و آنها که از آزمندی نفس خویش، مصون بمانند، آنان، همان مفلحان‌اند». به خدا سوگند که اینان، کامیاب و اهل فلاح شدند.

در این روایت فلاح، نتیجه آزادی از آزمندی و بخل قلمداد شده و پاداش ایثار و انفاق به شمار آمده است.

امام علی علیه السلام، غصه خوردن برای روزی آینده را یکی از موانع فلاح بر می‌شمرد و می‌فرماید:

مَنْ اهْتَمَّ بِرِزْقِ غَدٍ لَمْ يُفْلَحْ أَبَدًا؛^۱ هر کس اندوه روزی فردا را به دل داشته باشد، هرگز به فلاح نخواهد رسید!

امام صادق علیه السلام نیز در شیوه تربیت دینی کودکان فرمود:

دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يُوَدِّبْ سَبْعًا وَ الزِّمُّهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ فَلَاحَ وَ إِلَّا فَلَا خَيْرَ فِيهِ؛^۲ فرزندت را رها کن که هفت سال بازی کند و هفت سال تأدیب شود و هفت سال او را همراه خویش گیر پس اگر به فلاح رسید که هیچ و گرنه خیری در او نیست.

با این توصیف، چنانچه با بررسی فقه اللغوی، مفهوم «فلاح» و نظائر آن به دست آید، بدون تردید به درک درستی از نظریه فلاح در اسلام، نزدیک خواهیم شد. از این جهت، مفهوم‌شناسی «فلاح» پژوهشی بایسته است. تا تصویر روشنی از «فلاح»، پیش چشمان همگان، ترسیم گردد.

پیشینه موضوع

کلمه فلاح و واژه‌های هم‌نشین آن، کما بیش مورد توجه پژوهشگران علوم اسلامی بوده است و هر کسی

۱. محمدی ری شهری، محمد؛ دانشنامه قرآن و حدیث، قم: دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۹۱ش؛ ج ۱، ص ۱۳۸.
۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ تصنیف غررالحکم، تصحیح: مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه، بی‌تا؛ ص ۳۹۷، ح ۹۲۰۸.
۳. طبرسی، حسن بن فضل؛ مکارم/الاخلاق، بی‌جا، بی‌تا؛ ص ۲۲۲ و بروجردی، حسین؛ منابع فقه شیعه (ترجمه جامع احادیث الشیعه)، ج ۲۶، ص ۸۴۷، باب ۶۱، ص ۸۴۷.



از دریچه‌ای خاص به آن نگریسته است. از جمله آنها؛ مقاله «درآمدی بر معناشناسی فلاح»^۱ است که با هدف تبیین مفهوم نجات، تطوّر معنایی فلاح را پیش از اسلام و پس از آن تعقیب می‌کند. نقطه تمرکز نگارنده مقاله مزبور، در معنایابی لغوی، آن است که بر اشعار عرب جاهلی بیش از قرآن و حدیث، استشهاد می‌کند. و نیز همت وی، به دست دادن عناصر دست‌یابی به فلاح است که از ایمان، عمل و فیض الهی، یاد می‌کند. در نتیجه در پایان نوشتار خود، معنای جامعی برای فلاح ذکر نمی‌کند.

«بررسی معناشناسانه فوز و فلاح در قرآن کریم»^۲ عنوان پژوهش دیگری است که مفهوم فلاح را به تحقیق گذاشته است. نویسندگان آن، هدف خود را در این مقاله چنین نوشته‌اند:

این نوشتار در صدد بیان تحلیل‌گونه‌ای از مبانی، اجزاء و عوامل تشکیل‌دهنده نظام اخلاقی متّخذ از آیات قرآنی و بیان معصومان (علیهم‌السلام)، با هدف ارائه الگویی قابل قبول در مباحث اخلاقی اسلامی قرآنی است.^۳

به نظر می‌رسد میان موضوع مقاله با هدف نگارندگان، تناسبی برقرار نیست. ولی با این حال در نوشتار مزبور واژه‌های فوز، فلاح و کلمات مترادف و متضاد آنها در لغت و قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد، لیکن تصویر کامل و جامعی از فلاح به دست نمی‌دهد.

یکی دیگر از پژوهش‌های صورت گرفته در تبیین معنای فلاح، نگاشته‌ای است با عنوان «فلاح و موکّشه در آرای امام خمینی (ره) و شنکره»^۴، که نویسندگان آن در پی مقایسه اندیشه‌های توحیدی امام خمینی (ره) و «شنکره» - حکیم و عارف قرن ۸ و ۹ میلادی و بنیانگذار مکتب «ادویته ودانته» - درباره نجات مبتنی بر «وحدت وجود» می‌باشند.

به روشنی پیداست که مقاله یادشده نگاه فقه‌اللغه‌ای به واژه فلاح نخواهد داشت. و اتفاقاً همین گونه است. در هیچ جای مقاله به مفهوم فلاح از منظر قرآن و حدیث، اشاره‌ای نشده است. بلکه همت اساسی نوشتار بر تبیین اصطلاحی فلاح از نگاه دو اندیشمند عارف مذکور و مقایسه رویکرد آنها با یکدیگر است، تا قوّت و ضعف یکی بر دیگری را آشکار سازد.

۱. واحدی فرد، محمدصادق؛ «درآمدی بر معناشناسی فلاح»، مطالعات اسلامی، شماره ۷۱، بهار ۱۳۸۵ش؛ ص ۲۰۷-۲۲۷.
 ۲. لسانی فشارکی، محمدعلی و زرنگار، مصطفی؛ «بررسی معناشناسانه فوز و فلاح در قرآن کریم»، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره ۸، مهر ۱۳۸۹ش؛ ص ۵۱-۷۴.
 ۳. همان.

۴. غفاری، علی؛ ملکی، ملیحه؛ «فلاح و موکّشه در آرای امام خمینی (ره) و شنکره»، انسان شناسی دینی، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۳۹۲ش؛ ص ۱۳۵-۱۵۸.



بنابراین با نظر داشت پیشینه یاد شده برای به دست دادن مفهوم صحیح و روشنی از «فلاح» در آغاز، به سراغ واژه‌شناسان و عالمان اخلاق رفته و سپس معنای دریافتی را به متون قرآن و حدیث عرضه می‌کنیم و در ادامه با تحلیل محتوایی متن، به مفهومی جامع دست خواهیم یافت. و در پایان، به ذکر نمونه‌هایی از ترجمه‌های نارسا در تبیین «فلاح» از سوی مترجمان قرآن کریم می‌پردازیم.

آنچه تلاش نویسنده را از پژوهش‌های دیگران در این موضوع، متمایز و برجسته می‌سازد؛ آموزش فرآیند مفهوم‌شناسی واژگان اخلاقی به همراه ارائه معنای جامع و ساختاری چند بُعدی از فلاح است، که درک و تحلیل درست آن، می‌تواند به یافتن عناصر، عوامل و موانع فلاح، کمک نموده و تصویری زیبا و منحصر به فرد از نظام اخلاقی اسلام به تماشا بگذارد.

دیدگاه لغت شناسان

از دیدگاه لغت شناسان، فلاح از ریشه (ف ل ح) است. خلیل ابن احمد فراهیدی، در تعریف واژگانی، «فلاح» را به «بقای در خیر» و «شکافتن» معنا می‌کند و می‌نویسد:

الْفَلَاحُ، وَ الْفَلَحُ لُغَةً، الْبَقَاءُ فِي الْخَيْرِ، وَ فَلَاحُ الدَّهْرِ: بَقَاؤُهُ. وَ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ أَي: [هَلُمَّ] عَلَى بَقَاءِ الْخَيْرِ... الْفَلَحُ: الشَّقُّ فِي الشَّقَةِ فِي وَسْطِهَا، إِنَّ الْحَدِيدَ بِالْحَدِيدِ يُفْلَحُ.^۱

ابن دُرَید در جمهرة اللغة، فلاح را به «بقاء» معنا می‌کند.^۲ و محمد بن احمد ازهری در کتاب خود، علاوه بر «بقاء در خیر»، عبارت «فوز به بقاء دائم» را نیز اضافه می‌کند و می‌نویسد:

فِي الْأَذَانِ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، يَعْنِي هَلُمَّ عَلَى بَقَاءِ الْخَيْرِ وَقَالَ غَيْرُهُ حَيَّا يَعَجِّلُ وَأَسْرِعَ عَلَى الْفَلَاحِ، مَعْنَاهُ إِلَى الْفَوْزِ بِالْبَقَاءِ الدَّائِمِ.^۳

ابن فارس، برای فلاح، دو ریشه در نظر می‌گیرد: یکی شکافتن و دیگری بقاء و فوز^۴ راغب اصفهانی نیز در کتاب مفردات، افزون بر شکافتن، «ادراک خیر» را نیز در معنای فلاح، دخیل می‌داند. و از آن به «الظَّفَرُ وَ إدْرَاكٌ بَغِيَّةٌ» یاد می‌کند.^۵ نویسنده کتاب «المحكم و المحيط الأعظم» در

۱. کتاب العین؛ ماده فلاح.

۲. جمهرة اللغة؛ ماده فلاح.

۳. تهذيب اللغة؛ ماده فلاح.

۴. معجم مقاییس اللغة؛ ماده فلاح.

۵. مفردات ألفاظ القرآن؛ ماده فلاح.



معنای فلاح، عبارت «البقاء فی النّعیّم و الخیر» را ذکر می‌کند.^۱

ابن منظور در لسان العرب، در مفهوم شناسی فلاح در کنار ذکر «البقاء فی النّعیّم و الخیر» به «فوز و نجات» نیز اشاره می‌کند.^۲

نویسنده کتاب «الطراز الأول»، در تعریف فلاح، کلمه سعادت را نیز به معانی گذشته اضافه می‌کند.^۳ و بالاخره مصطفوی در التحقیق، ضمن نقل نظرات دیگران می‌نویسد:

ان الاصل الواحد فی الماده: هو النجاة من الشرور و ادراك الخير و الصلاح. و بهذین القیدین تمتاز عن مواد النجاة و الظفر و الصلاح. و یعبر عنه بالفارسیة بکلمة: پیروزی. و الفوز مرتبة بعد الفلاح و هو وصول الی الخیر و النعمة. و من آثار الاصل: البقاء فی الخیر و الفوز.^۴

همان‌گونه که مشاهده شد، واژه‌شناسان در تعریف فلاح، به معانی گوناگونی اشاره داشتند. که نیازمند توجه و دسته‌بندی و ایجاد ارتباط میان آنها است.

از تعریف‌های واژه‌شناسان درباره فلاح، معانی زیر به دست می‌آید:

بقاء در نعمت و خیر	فوز (دستیابی به خیر و نجات از شر)	فوز به بقای دائم	ظفر (پیروزی)
ادراك حاجت (رسیدن به هدف)	ادراك خیر (فایده و سود) و صلاح (ضد شر و فساد - سلامت و اعتدال)	بقاء در نعمت	نجات (رهایی، رستگاری)
سعادت (رسیدن به نیکی، آسایش و خوشحالی)	شکافتن و عبور کردن	کامیابی (رسیدن به مطلوب).	بقاء

شکل ۱: فهرست تعاریف لغت‌شناسان درباره فلاح

در میان تعاریف ارائه‌شده از سوی واژه‌شناسان برای «فلاح»، مفهوم «نجات و رستن»، تنها دو بار به چشم می‌خورد. و مفهوم «رسیدن به خیر و بقای در آن» بیش از همه در این تعاریف، خود را نشان می‌دهد.

۱. ابن سیده، علی بن اسماعیل: المحکم و المحيط الأعظم، بیروت: چاپ اول، بی‌تا؛ ج ۳، ص ۳۵۱.

۲. لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، بی‌تا؛ ج ۲، ص ۵۴۷.

۳. مدنی، علی خان بن احمد: الطراز الأول، مشهد: موسسه آل البيت، ۱۳۸۴ش؛ ج ۴، ص ۴۴۷.

۴. مصطفوی، حسن: التحقیق فی کلمات القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیه، بی‌تا، ج ۹، ص ۱۳۳.

مفهوم «فوز» در کتاب‌های لغت

برای رسیدن به مفهوم جامعی از «فلاح» لازم است مفهوم «فوز» را بررسی کنیم تا تصویری روشن‌تر از «فلاح» به دست آید. چرا که واژه فوز در عبارات برخی از لغت‌شناسان در تعریف فلاح، به چشم می‌خورد. بنابراین دیدگاه لغت‌شناسان درباره معنای «فوز» را می‌توان به شکل زیر گردآوری کرد:

۱- خلیل ابن احمد: «الْفَوْزُ: الظفر بالخير، و النجاة من الشر. [يقال]: فَازَ بالجنة و نجا من النار، و قوله [جل و عز]: ﴿فَلَا تَحْسَبْنَهُمْ بِمَقَارَءٍ مِنَ الْعَذَابِ﴾، أي: منجاة»^۱

۲- صاحب کتاب جمهرة اللغة: «الْفَوْزُ: ضِدُّ الْهَلَاكِ؛ فَازَ يَفُوزُ فَوْزًا، ثُمَّ كَثُرَ ذَلِكَ حَتَّى صَارَ كُلُّ مَنْ نَالَ خَيْرًا فَقَدْ فَازَ بِهِ.»^۲

۳- احمد ابن فارس: «فوز: الفاء والواو والزاء كلمتان متضادتان. فالأولى النجاة و الأخرى الهلكة. فالأولى قولهم: فَازَ يَفُوزُ، إِذَا نَجَا، وَهُوَ فَائِزٌ. وَ فَازَ بِالْأَمْرِ، إِذَا ذَهَبَ بِهِ وَ خَلَصَ. وَ كَانَ الرَّجُلُ يَقُولُ لَامْرَأَتِهِ إِذَا طَلَّقَهَا: فُوزِي بِأَمْرِكَ، كَمَا يَقَالُ: أَمْرُكَ بِيَدِكَ. وَ يَقَالُ لِمَنْ ظَفِرَ بِخَيْرٍ وَ ذَهَبَ بِهِ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿فَمَنْ رُخِّحَ عَنِ النَّارِ وَ أُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ﴾»^۳

۴- راغب اصفهانی: «الْفَوْزُ: الظفر بالخير مع حصول السلامة. قال الله تعالى: ﴿ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ﴾»^۴، ﴿فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾^۵، ﴿ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ﴾^۶، و في أخرى الْعَظِيمُ^۷ ﴿أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾^۸

۵- ابن منظور: «الْفَوْزُ: النِّجَاةُ وَ الظَّفَرُ بِالْأَمْنِيَّةِ وَ الْخَيْرِ.»^{۱۰}

۶- صاحب کتاب المصباح المنير: «فَازَ: (يُفُوزُ) (فَوْزًا) ظَفَرَ وَ نَجَا وَ يَقَالُ لِمَنْ أَخَذَ حَقَّهُ مِنْ غَرِيْمِهِ.»^{۱۱}

۷- فخرالدين طريحي: «الْفَوْزُ: النجاة و الظفر بالخير، من قولهم فَازَ يَفُوزُ فَوْزًا: إِذَا ظَفَرَ وَ نَجَا. وَ الْفَائِزُ

۱. کتاب‌العین؛ ماده فوز.

۲. جمهرة اللغة؛ ماده فوز.

۳. معجم مقاييس اللغة؛ ماده فوز.

۴. بروج / ۱۱.

۵. احزاب / ۷۱.

۶. جاثیه / ۳۰.

۷ و ذلك هو الفوز العظيم. (غافر / ۹)

۸. توبه / ۲۰.

۹. مفردات الفاظ القرآن؛ ماده الفوز.

۱۰. لسان العرب؛ ماده فوز.

۱۱. المصباح المنير فی غریب الشرح الكبير للرافعی؛ ماده فوز.

بالشيء: الظافر به، و منه الفائزون.»^۱

۸- حسن بن عبدالله عسکری: «الفوز هو الخلاص من المكروه مع الوصول الى المحبوب و لهذا سمى الله تعالى المؤمنين فائزين لنجاتهم من النار و نيلهم الجنة و لما كان الفوز يقتضي نيل المحبوب.»^۲ مجموعه دیدگاه‌های واژه‌شناسان را می‌توان در جدول زیر، ملاحظه نمود؛

دستیابی به خیر و نجات از شر	الظفر بالخير، و النجاة من الشر
ضد هلاکت (سلامت)	ضِدَّ الهلاك
رسیدن به خیر	من نال خيراً
پیروزی	الظَّفَر
دستیابی به خیر، همراه با سلامتی	الظَّفَر بالخير مع حصول السلامة
نجات و دستیابی به آرزوها و خیر	النَّجاةُ و الظَّفَرُ بالأُمْنِيَّةِ و الخَيْر
نجات از شر و دستیابی به خیر و آرزوها	النَّجاةُ من الشرِّ، و الظَّفَرُ بالخَيْر و الأُمْنِيَّةِ
رهایی از ناخوشی و رسیدن به محبوب	الفوز هو الخلاص من المكروه مع الوصول الى المحبوب

شکل ۲: نکات کلیدی در تعاریف واژه‌شناسان درباره «فوز»

با مطالعه و بررسی دیدگاه لغت‌شناسان درباره «فوز» در می‌یابیم که همه تعاریف یادشده به دو چیز اشاره دارند:

۱- نجات از شر ۲- دستیابی به خیر.

بررسی و تحلیل تعاریف واژه‌شناسان درباره «فلاح و فوز»

پس از شناسایی و گردآوری تعاریف واژه‌شناسان، برای فهم بهتر تعریف‌ها و روشن شدن جنبه‌های آن، نوبت به بررسی و تحلیل تعاریف می‌رسد.

۱. مجمع البحرین؛ مادة فوز.

۲. الفروق فی اللغة، بیروت: دارالافاق الجديدة، چاپ اول، بی‌تا؛ ص ۲۰۵.



از مجموعه تعاریف واژه‌شناسان چنین فهمیده می‌شود: در مفهوم فلاح این نکته نهفته است که انسان پیوسته در زندگی خود گرفتار است یا موانعی وی را از رسیدن به هدفش باز می‌دارد. بنابراین برای دستیابی به خیر و نجات از شرور (گرفتاری‌ها و رنج‌ها)، که همگان به دنبال آن هستند، لازم است با شکافتن سختی‌ها و عبور از موانع، بر مشکلات پیروز شد و این همان سعادت و کامیابی است که راحتی، آسایش و سرور همیشگی را به ارمغان می‌آورد.

از این رو «اگر دستیابی به سعادت را فلاح خوانده‌اند، به این عنایت است که موانع را شکافته، کنار می‌زند و رخسار مطلوب را نشان می‌دهد.»^۱

آنچه بیش از همه در عبارات واژه‌شناسان، به چشم می‌خورد و عنصر محوری به نظر می‌آید؛ دستیابی به خیر و بقای در آن است. و لازمه آن، عبور از موانع و رهایی و رستن از شرور است. در نتیجه از مجموع آنچه گفته شد، معلوم می‌شود که از نگاه واژه‌شناسان، مفهوم «فلاح» فرایندی چهار مرحله‌ای به شکل زیر دارد:

شکافتن موانع و عبورکردن از آن‌ها ← رهایی از شرور ← دستیابی به خیر ← بقای در خیر

شکل ۳: فرایند مفهوم «فلاح» از نگاه واژه‌شناسان

مفهوم «فلاح» از دیدگاه اندیشمندان اسلامی

در این قسمت، با گردآوری تعاریف اصطلاحی «فلاح» از دیدگاه عالمان اخلاق و مفسران قرآن کریم به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- علامه سید محمد حسین طباطبایی رحمته‌الله درباره فلاح فرموده‌اند:

فلاح به معنای پیروزی و رسیدن به مقصد و استیلا بر خواسته خویش است، و این استیلا بر مراد و فلاح همان است که خداوند متعال آن را از جمله بهترین نویدها برای مؤمنین قرار داده و آنها را به نیل به آن بشارت داده و فرموده است: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ﴾^۲ و آیاتی که این نوید را می‌دهند زیادند و در همه آنها این لفظ بطور مطلق بکار رفته و معلوم است که «فلاح» مطلق، هم رسیدن به سعادت را و هم رستگاری

۱. طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر/المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه

قم)، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ش؛ ج ۶، ص ۲۰.

۲. مؤمنون / ۱.



به نیل به حقیقت را و هم غلبه بر شقاوت و باطل و دفع آن را هم در دنیا و هم در آخرت شامل می‌شود. اما در دنیا برای اینکه مردمی رستگارانند که مجتمعتشان صالح و افراد آن مجتمع همه اولیای خدا و صالح باشند و معلوم است که در چنین مجتمع که پایه‌اش بر تقوا و ورع است و شیطان در آن راه ندارد می‌توان مزه زندگی واقعی را چشیده و به عالی‌ترین درجه لذت و برخورداری از حیات نائل شد. و اما در آخرت برای اینکه چنین مردمی در آخرت در جوار رحمت خدایند.^۱

ایشان در جای دیگر می‌نویسد:

کلمه "فلاح" به معنای ظفر یافتن و به دست آوردن و رسیدن به آرزو است. و این به دو نحو است: یکی دنیوی، و دیگری اخروی، اما ظفر دنیوی رسیدن به سعادت زندگی است، یعنی، به چیزی که زندگی را گوارا سازد. و آن در درجه اول بقاء و سپس توانگری و عزت است. و ظفر اخروی در چهار چیز خلاصه می‌شود: بقایی که فناء نداشته باشد، غنایی که دستخوش فقر نشود، عزتی که آمیخته با ذلت نباشد و علمی که مشوب با جهل نباشد، و به همین جهت گفته‌اند: "عیشی جز عیش آخرت نیست" پس اگر دستیابی به سعادت را فلاح خوانده‌اند، به این عنایت است که موانع را شکافته، کنار می‌زند و رخسار مطلوب را نشان می‌دهد.^۲

۲- آیت الله جوادی آملی معتقدند: «از مجموع خیر و سعادت دنیایی و آخرتی به «فلاح» تعبیر می‌شود.»^۳

۳- آیت الله محمد تقی مصباح یزدی، «فلاح» را به رستگاری و خلاص شدن از گرفتاری و رسیدن به هدف و مطلوب، تعریف می‌کند.^۴

۴- سید عبدالحسین طیب - نویسنده تفسیر اُطیب البیان فی تفسیر القرآن - در تعریف «فلاح» می‌نویسد:

فلاح به معنی سعادت و رستگاری و نیل به فیوضات دنیوی و اخروی است.^۵

۱. همان.

۲. همان، ج ۱۵، ص ۴.

۳. تفسیر ترتیبی تسنیم، محقق: عبدالکریم عابدینی، قم: نشر اسراء، چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۸ش؛ ج ۱۶، ص ۷۷۸.

۴. اخلاق در قرآن، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ سوم، ۱۳۸۹ش؛ ج ۱، ص ۳۳.

۵. اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۸ش؛ ج ۹، ص ۳۵۵.

و نیز می‌گوید:

فلاح و رستگاری به این است که نه در حالت نزع و نه در قبر و نه در عالم برزخ و نه در صحرای محشر هیچ‌گونه آسیبی نداشته باشد.^۱

همو در جای دیگر نوشته است:

رستگار؛ کسی است که هیچ‌گونه عذابی نداشته باشد و از هیچ‌گونه فیضی محروم نشود.^۲

۵- علامه حسن مصطفوی می‌نویسد:

فلاح: بمعنی پیروز شدن است، یعنی نجات پیدا کردن از شرور و فساد و درک کردن خیر و صلاح است.^۳

۶- آیت الله ناصر مکارم شیرازی، فلاح را به دو نوع دنیوی و اخروی تقسیم نموده و می‌نویسد:

فالفلاح الدنیوی أن یحیا الإنسان حرّاً مرفوع الزّسول عزیز النفس غیر محتاج، و لا یمكن تحقیق کلّ ذلك إلا فی ضلال الإیمان و التمسک باللّه و برحمته. أمّا فلاح الآخرة فهو الحیاة فی نعیم خالد إلى جانب أصدقاء جديرین طاهرین، حیاة العزّ و الرفعة.^۴

۷- نویسنده تفسیر أنوار العرفان فی تفسیر القرآن گفته است:

فلاح و فلاح بمعنی رستگاری و نجات از مشکلات و عبور از آن و رسیدن به آسایش است و در قرآن همه جا از باب افعال بکار برده شده و شامل رستگاری دنیا و آخرت است.^۵

۸- جلال الدین سیوطی نیز در تعریف فلاح چنین گفته است: «المُفْلِحُونَ: الفائزون بالجنة الناجون من النار».^۶

۱. همان؛ ج ۱۰، ص ۲۶۶.

۲. همان؛ ج ۱۳، ص ۱۵.

۳. تفسیر روشن، تهران: مرکز نشر کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۰ش؛ ج ۵، ص ۲۴.

۴. الأمثال فی تفسیر کتاب الله المنزل، مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، چاپ اول، ۱۴۲۱ق. ج ۱۰، ص ۴۱۷.

۵. داورپناه، ابوالفضل، أنوار العرفان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات صدر، چاپ اول، ۱۳۷۵ش؛ ج ۱، ص ۱۷۷.

۶. تفسیر الجلالین، ص ۵.

۹- علامه طبرسی در تفسیر خود می‌گوید: «المفلح: الفائز بالغبية، كانه الذي انفتحت له وجوه الظفر»^۱
خلاصه نظریات اندیشمندان اسلامی در تعریف اصطلاحی «فلاح» به شرح زیر است:

علامه طباطبایی	پیروزی	رسیدن به مقصد و آرزو	استیلا ی بر خواسته خویش	
جوادی آملی	خیر و سعادت دنیوی و اخروی			
مصباح یزدی	رسیدن به هدف و مطلوب		رستگاری	
عبدالحسین طیب	نیل به فیوضات		رستگاری سعادت	
مصطفوی	پیروز شدن		نجات پیدا کردن درک کردن خیر	
مکارم شیرازی	زندگی با عزت		بی نیازی	آزادی زندگی در نعمت جاودان
انوار العرفان	عبور از مشکلات		رسیدن به آسایش	رستگاری
سیوطی	دستیابی به بهشت		نجات از آتش	
طبرسی	دستیابی به حاجت			

شکل ۴: فهرست تعاریف اصطلاحی «فلاح» از نگاه عالمان اخلاق و مفسران

از مجموع تعاریف عالمان اخلاق به فرایند زیر دست می‌یابیم:

رستگاری و نجات ← رسیدن به مقصد (خیر جاودانه) در دنیا و سعادت در آخرت

شکل ۵: فرایند فلاح در تعاریف عالمان اخلاق و مفسران

اکنون با نگاه به نتیجه تعاریف واژه‌شناسان درباره «فلاح»، آن با معنای اصطلاحی فلاح مقایسه می‌کنیم تا تفاوت‌ها و شباهت‌های هر یک آشکار شود.

۱. تفسیر جوامع الجامع، ج ۱، ص ۱۶.

شکافتن موانع و عبور کردن از آنها ← رهایی از شرور ← دستیابی به خیر ← بقای در خیر

۱۴۱

شکل ۶: فرایند مفهوم «فلاح» از نگاه واژه‌شناسان

از تطبیق و مقایسه تعاریف واژه‌شناسان، عالمان اخلاق و مفسران قرآن چنین بر می‌آید که؛ تفاوت چشم‌گیری میان تعریفها مشاهده می‌شود. هرچند لازمه رستن و نجات، «شکافتن موانع و عبور کردن از آنها» و «رهايي از شرور» است، ولی سعادت، نتیجه فلاح است نه معنای آن. و استیلاي بر هدف و زندگي در نعمت جاودان که همان بقای در خیر است، نکته برجسته‌ای است که تنها علامه طباطبائی بدان اشاره نموده است. با این همه، «بقای در خیر» در «مفهوم اصطلاحی فلاح» به روشنی دیده نمی‌شود. در صورتی که فلاح در زبان باستانی عرب، به معنای بقاء و ماندگاری بوده است.^۱

کوتاه سخن آنکه، فلاح به معنای «رستن به همراه رسیدن» است. نه فقط رستگاری. بلکه رستن از شرور و رسیدن به خیرات پایدار در دنیا و آخرت، و بقای در آن، معنای کامل «فلاح» است.

واژه متضاد با فلاح

برای بررسی بیشتر جهت دستیابی به مفهوم درست فلاح، بهتر است، واژه متضاد با فلاح را نیز به بحث بگذاریم تا همه جوانب فلاح، به خوبی آشکار گردد. به همین منظور، واژه «خیبه»، در قرآن کریم از کلمات متضاد با فلاح است که در پنج آیه قرآن به کار رفته است.^۲

این واژه، به معنای از بین رفتن خواسته و طلب آدمی^۳، ناامیدی از رسیدن به نتیجه‌ای است که امید رسیدن به آن وجود داشته باشد.^۴

مرحوم مصطفوی با تقسیم حالات انسان به؛ مزگی و مدسّس، واژه «الخیبه» را در برابر فلاح، قرار می‌دهد و می‌نویسد:

فکلّ انسان لا یخلو من احدى الحاليتين: اما مزگی و اما مدسّس، فالمزگی هو المفلح، و المدسّس هو الخائب، و لا ثالث لهما. و ظهر أنّ الفلاح و الفتح و الظفر:

۱. واحدی فرد، محمد صادق؛ پیشین.

۲. ابراهیم: ۱۵، طه: ۶۱، طه: ۱۱۱، شمس: ۹ و ۱۰، آل عمران: ۱۲۷.

۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ القرآن، بیروت: نشر دارالقلم، چاپ اول، بی‌تا؛ ص ۱۶.

۴. طباطبائی، سید محمد حسین، پیشین؛ ج ۱۴، ص ۱۷۳.





انّما هي في مقابلة الخيبة. و لا يخفى أنّ عدم التوفيق و فقدان حصول الغرض و الوصول الى الهدف و المقصود في طول الحياة: هو آخر درجة المحرومية و نهاية مرتبة اليأس، و يعبر عنه بالخبية، و يقابلها الفلاح و فتح الباب للخير و الرحمة و الظفر بالمقصود، و لهذا ترى التعبير بالخبية في مقام المجازاة الشديد و المعاقبة الكلية على الكافرين. ﴿لَيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتُهُمْ فَيَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ﴾^۱ اي فلم يظفروا بما يستهدفون و لم ينالوا بما يريدون في حياتهم الدنيوية.^۲

خبیه به معنای یأس و محرومیت پس از امید داشتن به حصول غرض و مقصد نهایی در طول زندگی است. این آخرین درجه محرومیت و آخرین مرحله یأس و ناامیدی در آدمی است و این معنا در برابر فلاح قرار دارد.

بنابراین؛ عنصر محوری در «خبیه»؛ محرومیت و نرسیدن است. که سبب یأس و ناامیدی در انسان می شود. و عنصر بنیادین در فلاح، برخورداری و رسیدن است که موجب امید و تلاش خواهد بود. تاکنون با بررسی دیدگاه واژه شناسان، عالمان اخلاق و مفسران قرآن کریم برای به دست دادن مفهومی درست از واژه فلاح، به عناصر رهیدن از شرور و رسیدن به خیرات و بقای در آن، رسیدیم.

مفهوم «فلاح» از دیدگاه قرآن و حدیث

اکنون نوبت آن رسیده است که معنا و مفهوم دریافتی از لغت و اصطلاح را به متون دینی اعم از آیات قرآن و روایات معصومان علیهم السلام عرضه کنیم تا درستی و کاستی آن روشن شود.

واژه «فلاح» تعداد ۴۰ مرتبه در ۲۴ سوره و ۴۰ آیه قرآن کریم آمده است. و همچنین واژه «فوز» در ۲۶ آیه قرآن ذکر شده است. در ادامه به برخی از آن ها که به این موضوع مربوط است اشاره می کنیم.

۱. ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَن تَزَكَّى﴾^۳

۲. ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ﴾^۴

۱. آل عمران / ۱۲۷.

۲. مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن/الکریم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۱۵۷.

۳. اعلی / ۱۴.

۴. مؤمنون / ۱.



۳. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۱
۴. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْحَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۲
۵. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۳
۶. ﴿تُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۴
۷. ﴿إِنَّهُ لَا يَفْلَحُ الظَّالِمُونَ﴾^۵
۸. ﴿وَالْوِزْنُ يُوَمَّنُ الْحَقُّ فَمَن تَقَلَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۶
۹. ﴿لَكِنِ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَٰئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۷
۱۰. ﴿وَمَن يوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۸
۱۱. ﴿فَمَن رُّحِزَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ﴾^۹
۱۲. ﴿مَنْ يَصْرِفْ عَنْهُ يُؤْمِدْ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ﴾^{۱۰}
۱۳. ﴿لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾^{۱۱}
۱۴. ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ﴾^{۱۲}
۱۵. ﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ

۱. مائده / ۳۵.

۲. مائده / ۹۰.

۳. حج / ۷۷.

۴. نور / ۳۱.

۵. انعام / ۱۳۵.

۶. اعراف / ۸.

۷. توبه / ۸۸.

۸. حشر / ۹.

۹. آل عمران / ۱۸۵.

۱۰. انعام / ۱۶.

۱۱. یونس / ۶۴.

۱۲. جاثیه / ۳۰.



هُمُ الْفَائِزُونَ

۱۶. ﴿لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾^۲

با کنار هم چیدن آیات فلاح و فوز، سه سیاق در آن‌ها دیده می‌شود: دسته‌ای از آیات، اوصافی را بر می‌شمرد که در آینه آن‌ها «مفلحون» را به تماشا می‌گذارد. دسته دیگر که در مقابل آیات دسته نخست است، آشکارا فلاح و فوز را از افراد با ویژگی‌ها و مشخصات خاص، نفی می‌کند. و سرانجام دسته سوم، فلاح و فوز را هدف اعمال و کردار درست، می‌شمارد. این آیات، عناصر ساختاری فلاح و فوز را برای افراد معرفی می‌کند تا آنان را به سوی فلاح و فوز ترغیب کند.

از میان این آیات، تنها از دو دسته نخست می‌توان مفهوم فلاح را به دست آورد. در آیات فوق، اوصافی از جمله؛ تزکیه، ایمان، مجاهدت، مراقبت، انجام خیرات، توبه، ستم نکردن، هجرت، رهایی از بخل، ورود به بهشت و... از ویژگی‌های اهل فلاح و فوز شمرده شده است، این اوصاف چند مسئله را بیان می‌کند:

۱. اهل فلاح، هدفی والا و مقدس، پیش رو دارند، و آن رضایت خداوند سبحان است.
 ۲. اهل فلاح، در راه خدا مجاهدت، مراقبت و استقامت دارند.
 ۳. مفلحون، رهیدن و رستن از موانع را مد نظر دارند.
 ۴. اهل فلاح، ترازوی اعمالشان از عمل صالح، سنگین است، لذا در بهشت منزل می‌گیرند.
- در روایات معصومان علیهم‌السلام نیز بیاناتی وجود دارد که ائمه به تبیین مفهوم فلاح، معرفی عوامل و موانع آن پرداخته‌اند که در ادامه، تعدادی از آن‌ها را ذکر می‌کنیم:
- ۱- امام رضا علیه‌السلام فرمود: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا عَلِيُّ إِنِّي سَأَلْتُ رَبِّي فِيكَ خَمْسَ خِصَالٍ فَأَعْطَانِيهَا أَحَدُهَا أَنْ يَجْعَلَكَ حَامِلَ لَوَائِي وَهُوَ لَوَاءُ اللَّهِ الْأَكْبَرُ مَكْتُوبٌ عَلَيْهِ الْمُفْلِحُونَ هُمُ الْفَائِزُونَ بِالْجَنَّةِ.^۳
 - ۲- امام علی علیه‌السلام فرمود: «إِذَا أَعْرَضْتَ عَنْ دَارِ الْفَنَاءِ وَتَوَلَّيْتَ بَدَارَ الْبَقَاءِ فَقَدْ فَازَ قَدْ حُكَّ وَفُتِحَتْ لَكَ أَبْوَابُ النَّجَاحِ وَظَفِرْتَ بِالْفَلَاحِ»^۴

۱. توبه / ۲۰.

۲. حشر / ۲۰.

۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، ۱۱۱ جلد، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۸، ص ۴، باب ۱۸، ح ۵.

۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ پیشین، ص ۱۳۹، ح ۲۴۳۵.



۳- امام علی (ع) فرمود: «مَنْ لَمْ يَجَاهِدْ نَفْسَهُ لَمْ يَنْلِ الْفَوْزَ»^۱

۴- امام صادق (ع) در تفسیر عبارت ﴿أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ فرمود:

أي الناجون مما منه يوجلون الفائزون بما يأملون؛ پیروزی و نجات از آنچه می ترسند و رسیدن به آنچه آرزو دارند.

تحلیل مفهوم «فلاح و فوز» در قرآن و حدیث

پس از مطالعه، بررسی و جمع بندی داده‌های آیات و روایات در ماهیت فلاح و فوز، به نظر می‌رسد واژه «فلاح»، مفهومی ترکیبی داشته باشد؛ زیرا در فلاح، نوعی سختی و زحمت دیده می‌شود. و برای عبور از موانع رسیدن به فلاح، جهاد و تحمل سختی لازم است. که نتیجه این تحمل زحمت و مبارزه، خیر پایدار خواهد بود. و این خیر پایدار همان ورود به بهشت جاودان، رسیدن به بقای بدون فنا، سرور بدون حزن و بدی، برخورداری از رضوان الهی و ... در نتیجه از یک سو، رستگاری و رهایی از بدی‌ها و از سوی دیگر، رسیدن و دستیابی به خیر پایدار، در مفهوم فلاح، وجود دارد.

تحلیل مفهوم استخراجی فلاح از قرآن و حدیث

از آنچه گذشت، روشن می‌شود که «فلاح»، ساختاری چند قسمتی دارد که عبارت است از: «رهیدن از شرور و رسیدن به خیر پایدار در دنیا و آخرت و پایداری در آن». ناگفته خود پیداست که لازمه تمامی این مراحل، جهاد و عبور از موانع پیش روست.

عناصر	مفهوم فلاح				
	رهیدن	از شرور		در دنیا	و آخرت
	رسیدن	به خیر	پایدار	در دنیا	و آخرت
				بقای در خیر	

شکل ۷: عناصر مفهوم «فلاح» از نگاه متون

به همین دلیل آموزه‌های دینی، تزکیه نفس را تنها راه رسیدن به فلاح دانسته است. آیاتی مانند: ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى﴾^۲ و ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لَأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يَوْقِ شَحًّا

۱. همان؛ ص ۲۴۳، ح ۴۹۴۴.

۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، پیشین، ج ۶۴، ص ۱۸.

۳. اعلیٰ / ۱۴.



نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ^۱. راه رسیدن به فلاح را تزکیه نفس، خویشنداری، اطاعت، انفاق و رهایی از بخل شدید نفس، می‌داند. این بیان قرآنی نشان می‌دهد که نفس آدمی، خواسته‌ها و امیال بی‌مهراری دارد که اگر مدیریت نشوند همه‌ش سرور و پستی‌ها را به دنبال خواهد آورد.

بنابراین باید با جهاد و مبارزه مستمر، آن را تزکیه و رام کرد. چون از سویی طبیعت انسان، به کفر، شرک، بخل، گناه، بازی و سرگرمی و دیگر سرور، گرایش دارد. و از سوی دیگر، فطرت او، طالب ایمان، ذکرالله، جهاد، صداقت، عمل صالح و... است. در این میان، کسی که با ایمان و تزکیه، طبیعت خود را به امارت عقل درآورد، از همه‌ش سرور و پلیدی‌ها رهایی یافته و به خیرپایدار که همان زندگی همراه با سرور و رضایت، آزادی از عذاب و دستیابی به بهشت جاودان و بار یافتن به رضوان و جوار الهی است، دست می‌یابد. و شرط اساسی آن مجاهدت و استقامت است. در همین راستا، آیات و روایات ذکرشده، قابل تطبیق و تفسیر می‌باشند. آیاتی مانند:

- ۱- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ^۲
- ۲- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ^۳
- ۳- ﴿وَمَن يُوَقِّ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ^۴

این آیات به روشنی، فلاح را نتیجه ایمان، تقوا، جهاد، ایثار و اجتناب از گناه می‌داند و به شکل غیرمستقیم، به سختی‌ها و مشکلات راه، اشاره می‌کند و از این رهگذر، تلاش برای رستن و رهیدن از سرور را یادآور می‌شود.

روایت «مَنْ لَمْ يَجَاهِدْ نَفْسَهُ لَمْ يَتَلِ الْقُورَ.» و کلام امام صادق علیه السلام که درباره مومنان کامل، فرمودند:

هُمْ الْبَرَّةُ بِالْإِخْوَانِ فِي حَالِ الْبُسْرِ وَالْعُسْرِ، الْمُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ فِي حَالِ الْعُسْرِ، كَذَلِكَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فَقَالَ: ﴿وَيُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾، فازوا والله وأفلحوا.

در همین مسیر، یعنی؛ به آزادی و رهایی از سختی‌ها و بدی‌ها معنا می‌شوند.

۱. تغابن / ۱۶.

۲. مائده / ۳۵.

۳. مائده / ۹۰.

۴. حشر / ۹.



در بخشی دیگر از آیات قرآن و احادیث رسیده، از آثار و رهاوردِ فلاح، سخن به میان آمده است. مانند:

﴿فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۱ همچنین روایت امیر المومنین (علیه السلام) در تفسیر عبارات اذان و اقامه، با اشاره به معنایی فراتر از رستگاری و رهایی، می‌فرمایند:

... وَ أَمَّا قَوْلُهُ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ فَإِنَّهُ يَقُولُ أَقْبِلُوا إِلَى بَقَاءٍ لَا فَنَاءَ مَعَهُ وَ نَجَاةٍ لَا هَلَكَ مَعَهَا وَ تَعَالُوا إِلَى حَيَاةٍ لَا مَوْتَ مَعَهَا وَ إِلَى نَعِيمٍ لَا نَعَادَ لَهُ وَ إِلَى مُلْكٍ لَا زَوَالَ عَنْهُ وَ إِلَى سُرُورٍ لَا حُزْنَ مَعَهُ وَ إِلَى أُنْسٍ لَا وَحْشَةٍ مَعَهُ وَ إِلَى نُورٍ لَا ظُلْمَةٍ مَعَهُ وَ إِلَى سَعَةٍ لَا ضَيْقٍ مَعَهَا وَ إِلَى هَهْجَةٍ لَا انْقِطَاعٍ لَهَا وَ إِلَى غِنَى لَا فَاقَةٍ مَعَهُ وَ إِلَى صِحَّةٍ لَا سُقْمٍ مَعَهَا وَ إِلَى عِزٍّ لَا ذُلٍّ مَعَهُ وَ إِلَى قُوَّةٍ لَا ضَعْفٍ مَعَهَا وَ إِلَى كَرَامَةٍ يَا لَهَا مِنْ كَرَامَةٍ وَ عَجَلُوا إِلَى سُرُورِ الدُّنْيَا وَ الْعُقْبَى وَ نَجَاةِ الْآخِرَةِ وَ الْأَوَّلَى وَ فِي الْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ فَإِنَّهُ يَقُولُ سَابِقُوا إِلَى مَا دَعَوْتُكُمْ إِلَيْهِ وَ إِلَى جَزِيلِ الْكَرَامَةِ وَ عَظِيمِ الْمُنَّةِ وَ سِنِيِّ النُّعْمَةِ وَ الْفَوْزِ الْعَظِيمِ وَ نَعِيمِ الْأَبَدِ فِي جِوَارِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُقْتَدِرٍ.^۲

از میان روایات نقل شده، سخن امام صادق (علیه السلام) در تفسیر عبارت: ﴿أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ که فرمودند:

«أَيُّ النَّاجُونَ مِمَّا مِنْهُ يُوْجَلُونَ الْفَائِزُونَ بِمَا يَأْمَلُونَ»، اشاره آشکاری به ماهیت «فلاح» دارد. زیرا؛ نجات از مکروهات و رسیدن به محبوب‌ها در معرفی مفلحون، به کار رفته است. و ما نیز در مفهوم‌شناسی فلاح، به همین معنا رهنمون شدیم.

مرحوم علامه طباطبایی (رحمه الله) نیز در ضمن تفسیر آیه ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾ به بخش دوم مفهوم فلاح، یعنی؛ رسیدن به هدف، اشاره می‌کند. که شاهدی دیگر بر مدّعی ما است. ایشان می‌نویسد:

کلمه فلاح که مصدر ثلاثی مجرد "افلح" است، و "افلح" ماضی از باب افعال آن است، به معنای ظفر یافتن به مطلوب و رسیدن به هدف است، بر خلاف "خیبت" که به معنای ظفر نیافتن و نرسیدن به هدف است.^۳

با توجّه به معنایی که برای کلمه فلاح، فوز و خبیبه، به دست آوردیم این ادّعا تقویت می‌شود که در برخی ترجمه‌ها در بازتاب معنای فلاح، نقص و نارسایی وجود دارد.

۱. مؤمنون / ۱۰۲.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق)؛ /توحید، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۹۸ق، ص ۲۴۰، باب ۳۴.

۳. طباطبایی، سید محمد حسین؛ پیشین، ج ۲۰، ص ۵۰۰.



برای نمونه در ترجمه آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۱ از میان تعداد ۵۵ ترجمه قرآن کریم^۲ به جز چهار ترجمه، همگی واژه «فلاح» را به «رستگاری» ترجمه کرده‌اند که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

۱. الهی قمشه‌ای: «ای اهل ایمان، از خدا بترسید و به سوی او وسیله جویید و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.»

۲. شعرانی: «ای آن کسانی که ایمان آوردید بترسید از خدا و بجوئید بسوی او وسیله و جهاد کنید در راه او باشد که شما رستگار شوید.»

۳. موسوی گرمارودی: «ای مؤمنان! از خداوند پروا کنید و به سوی او راه جویید و در راه او جهاد کنید باشد که رستگار گردید.»

۴. مجتبوی: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و به سوی او دستاویز بجوید و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.»

۵. مشکینی: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خداوند پروا کنید و (برای تقرب) به سوی او (از مقربان درگاهش و از عمل‌های صالح) وسیله بجوید و در راه او جهاد کنید، شاید رستگار گردید.»

۶. مکارم شیرازی: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و وسیله‌ای برای تقرب به او بجوئید! و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید!»

۷. صفار زاده: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از عدم اطاعت او امر الهی بپرهیزید و برای یافتن وسیله تقرب به ذات اقدسش بکوشید باشد که رستگار شوید.»

در میان مترجمان، مرحوم فیض الاسلام، در ترجمه آیه فوق، با ذکر عبارات تفسیری، ترجمه را تقویت می‌کند. و برای تبیین و ترجمه کامل «فلاح»، با آوردن عبارتی در داخل پرانتز می‌نویسد:

(و چون سبب جنگیدن با دوستان خدا و رسول و فساد و تباهکاری در زمین دوست داشتن مال و دارایی و منافع و سودهای دنیوی است مردم را به کاری که همه خیرات و نیکی‌های دنیا و آخرت را در بر دارد راهنمایی نموده می‌فرماید: ای کسانی که ایمان دارید و (به خدا و رسول) گرویده‌اید (اگر خیر و نیکی و نفع و سود دنیا می‌خواهید) از (مخالفت احکام) خدا بترسید، و وسیله و دست آویز و آنچه که شما را به خدا نزدیک میکند بطلبید و به دست آورید، و در راه او (به دست و زبان و دل و شمشیر با دشمنان

۱. مانده / ۳۵.

۲. تمامی ترجمه‌های موجود در نرم افزار جامع التفاسیر نور، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.



آشکار و نهان) جهاد و پیکار نمائید تا رستگار شوید (خیر و نیکی دنیا و آخرت را دریابید).

صاحب کشف‌الاسرار در ترجمه آیه یادشده، فلاح را به «پیروزی» ترجمه نموده و به عنصر بقاء در مفهوم فلاح، اشاره می‌کند و می‌نویسد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا: ای ایشان که بگرویدند، اتَّقُوا اللَّهَ: بپرهیزید از خشم و عذاب خدای، وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ: و بوی نزدیکی جویید، وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ: و باز کوشید بادشمن وی از بهر وی، لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ: تا مگر بر راه پیروزی بمانید.

در این میان، صاحب تفسیر روشن، فلاح را به پیروزی ترجمه کرده است.^۱ همچنین در ترجمه دهم هجری، از فلاح، به فیروزی یاد شده. و صاحب تفسیر روض الجنان، در ترجمه فلاح، از واژه ظفر بهره برده است.^۲ طرفه آن‌که، هیچ یک از مترجمان و مفسران یاد شده به معنا و مفهوم کامل فلاح، نپرداخته‌اند. و ترجمه آن‌ها ناقص و نارسا است.

نتیجه گیری

در این پژوهش برای به دست آوردن مفهوم صحیح و روشنی از «فلاح» در قرآن و حدیث، با سبک خاص مفهوم‌شناسی واژگان اخلاقی، به سراغ واژه‌شناسان، عالمان اخلاق و مفسران قرآن کریم رفته و سپس معنای دریافتی را به متون قرآن و روایات عرضه کردیم و در پایان با تحلیل محتوایی متن، به مفهومی جامع دست یافتیم.

بنابر مطالب پیشین، نقص و نادرستی ترجمه کسانی که، فلاح را فقط به «رستگاری» معنا کرده‌اند، آشکار می‌گردد زیرا رستگاری و نجات، بخشی از مفهوم «فلاح» به شمار می‌آید. و مفهوم فلاح در قرآن و حدیث، ساختار چند قسمتی دارد و به معنای «رهیدن از شرور و رسیدن به خیر پایدار دنیا و آخرت و بقای در آن» است. بی‌گمان لازمه فلاح، ایمان، عمل صالح، رحمت الهی و استقامت در مشکلات و عبور از موانع پیش روست.

در پایان با توجه به معنای به دست آمده برای «فلاح»، پیشنهاد می‌شود در پژوهشی مستقل، بازتاب ترجمه ناتمام فلاح در آراء مفسران قرآن، بررسی شود.

۱. مصطفوی، حسن؛ تفسیر روشن، پیشین، ج ۷، ص ۶۲.

۲. رازی، حسین بن علی (ابوالفتح)؛ روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق؛ ج ۶، ص ۳۳۵.



فهرست منابع

۱. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (صدوق)؛ التوحید، قم: موسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۸ق.
۲. ابن درید، محمد بن حسن؛ جمهرة اللغة، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ اول، بی تا، ۳ جلد.
۳. ابن سیده، علی بن اسماعیل؛ المحکم و المحيط الأعظم، محقق و مصحح: عبدالحمید هنداوی، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، بی تا، ۱۱ جلد.
۴. ابن فارس، احمد بن فارس؛ معجم مقاییس اللغة، تصحیح: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلامی الاسلامی، چاپ اول، بی تا، ۶ جلد.
۵. پسندیده عباس؛ اخلاق پژوهی حدیثی، تهران: نشر سمت، چاپ اول، ۱۳۸۸ش.
۶. جوادی آملی، عبدالله؛ ادب فنای مقربان، قم: نشر اسراء، چاپ پنجم، ۱۳۸۸ش.
۷. _____؛ تفسیر ترتیبی تسنیم، جلد دوم، قم: نشر اسراء، چاپ نهم، ۱۳۸۹ش.
۸. _____؛ تفسیر ترتیبی تسنیم، جلد بیست و دوم، قم: نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.
۹. داور پناه، ابوالفضل؛ أنوار العرفان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات صدر، چاپ اول، ۱۳۷۵ش.
۱۰. رازی، حسین بن علی (ابوالفتوح)؛ روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق، ۲۰ جلد.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم، چاپ اول، بی تا، تک جلدی.
۱۲. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد؛ المحيط فی اللغة، مصحح: محمد حسن آل یاسین، بیروت: نشر عالم الکتب، چاپ اول، بی تا، ۱۱ جلد.
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین؛ ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ش، ۲۰ جلد.
۱۴. طبرسی، حسن بن فضل؛ مکارم الأخلاق، قم: چاپ چهارم، ۱۴۱۲ق / ۱۳۷۰ش.
۱۵. طیب، سید عبدالحسین؛ أصیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
۱۶. عسکری، حسن بن عبدالله؛ الفروق فی اللغة، بیروت: دارالافاق الجدیده، چاپ اول، بی تا، تک جلدی.
۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، بی تا، ۹ جلد.
۱۸. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار، بیروت: دارإحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق، ۱۱۱ جلد.
۱۹. مدنی، علی خان بن احمد؛ الطراز الأول، مشهد: مؤسسة آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۳۸۴ش، ۸ جلد.
۲۰. محمدی ری شهری، محمد؛ دانشنامه قرآن و حدیث؛ قم: دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۹۱ش.
۲۱. مصباح یزدی، محمد تقی؛ اخلاق در قرآن، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ سوم، ۱۳۸۹ش.



۲۲. مصطفوی، حسن؛ التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۳۰ ق.

۲۳. مصطفوی، حسن؛ تفسیر روشن، تهران: مرکز نشر کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.

۲۴. مکارم شیرازی ناصر؛ الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.

نرم افزار

۱. نرم افزار جامع الاحادیث نور ۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

۲. نرم افزار جامع الاحادیث نور ۳/۵، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

۳. نرم افزار جامع التفاسیر نور، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

۴. نرم افزار قاموس النور، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

۵. نرم افزار کتابخانه نور، نسخه ۱/۹، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.